

فدویانه یا تبلیغ یا تقدیم یا اتمام یا تمیز یا تسیم یا شوم یا شرو یا آئین یا شیوه یا طریق فدویت و فدوی یا انجاء
 آداب یا واجب یا ازوای مناهل حسن آداب یا بیاض فنون خاکساری یا قیو و تسلیات گزاری یا قوا اندود ویت
 یا سعادت اطواری یا نیاز کردواری یا سعادت بلایی فدویت جوئی یا زپژدهی یا تسوید یا تحری یا تسهیل یا برتر
 یا تحطیر یا قوم نیاز سگالی یا فدویت اندیشی یا نیاز کیشی یا اندازی یا تحائف تسلیات یا پس از از روی وید از
 یا گرمی و تمنای لقای والا یا اداییت چه همیشه یا نهایتا یا بعد تمنای حصول و دانسته ملاقات برکات آیات
 و وصول نعمت وید از نوایش آثار که علامه صاحب کتاب فی حلاله و حرامه یا با مقاصد غلطی یا کبریا
 یا خص یا احم یا حسن یا اکمل یا اشرف یا افضل یا بهتر یا بدترین یا کمترین یا خوارترین یا بیشترین یا
 یا مقاصد یا مصلای یا کرات ولی یا قاضی یا مستند یا قصوی یا مقاصد قاضی و علی تأسیس دلی یا وسیله بزرگ
 یا مقاصد یا مصلی یا وسیله بزرگ دلی و جان یا وسیله جیبیه و ذریعیه رفیعیه و موجب جلیلیه یا عیش یا عیش
 ولی است یا بی نیاز از برتر است یا از دستگاه لب و زبان و حوصایه تمامه منقطع اللسان یا از طاعت است
 یا از تاب توان انسانی یا باین پذیرش و گنجایش گیر تقدیر یا پیم پذیر یا پان نمی توان شد یا بسیر یا بسیر
 معروض می دارد یا کشف و خمیر سیر و پذیر عطف و پذیر اشفاق و تخمیر غنا بیت تصویر نو از شش نو پذیر
 نظیر هر نو بر کسیه یا شیشه شیشه تغییر ابرو فتح رای اشفاق آرائی عطف و پیروی کرم تقضای الطاف
 انجاسی نو از شش آتاسی الطف فرای کرم یا چنانچه انجاسیا مهر غنا مرآت اشجلا یا نجل جلاله اقامت فدایا خوشید غنا
 مشهور یا مبروز یا مبرین یا مسکشف خاطر خطی نو عطف و تاشی یا غنا هر با خضای الطاف مناز شرفت
 ناظر و یا نقاط با مضمون خمیر آئینه آئین اشفاق گرین عطف و ت قرین الطاف تکبیر یا کشف رای زرین بگرد
 پیمای پیمای و میدارد یا گردانیده نموده کرده ساخته و شسته می آید یا مظهر یا کشف یا مبین حال یا عارض احوال نیاز
 استمال فدویت مال است یا بشو و یا میگردد و یا خمیر نو یا صافی یا صفا گرین صفا صفات یا صفتی از تمیز
 یا صفا تر از مرآت یا رای والا یا علی یا خاطر خاطر ظاهر و با هر یا دفع و لایح یا روشن یا مبرین میگردد و اند یا
 و در و طالب قاضی و مقاصد یا فی انجیر یا طالع یا حسب التحری ضروری العوض لازم الاتماس سزاوار گزایش
 یا صفا الا و اقبال یا تقدیم تقصیر الترقیم لائق الاتماس یا بدل عطف و منزل یا کامل کرم شامل دریا مائل صفا
 مرآت شش شرفت حاصل غایت المثل الطاف و سائل عطف و منزل سپید و سپید یا میگردد و اند یا مبرین سزاوار گزایش

کدام است یا تبلیغ یا تقدیم یا اتمام یا تمیز یا تسیم یا شوم یا شرو یا آئین یا شیوه یا طریق فدویت و فدوی یا انجاء
 آداب یا واجب یا ازوای مناهل حسن آداب یا بیاض فنون خاکساری یا قیو و تسلیات گزاری یا قوا اندود ویت
 یا سعادت اطواری یا نیاز کردواری یا سعادت بلایی فدویت جوئی یا زپژدهی یا تسوید یا تحری یا تسهیل یا برتر
 یا تحطیر یا قوم نیاز سگالی یا فدویت اندیشی یا نیاز کیشی یا اندازی یا تحائف تسلیات یا پس از از روی وید از
 یا گرمی و تمنای لقای والا یا اداییت چه همیشه یا نهایتا یا بعد تمنای حصول و دانسته ملاقات برکات آیات
 و وصول نعمت وید از نوایش آثار که علامه صاحب کتاب فی حلاله و حرامه یا با مقاصد غلطی یا کبریا
 یا خص یا احم یا حسن یا اکمل یا اشرف یا افضل یا بهتر یا بدترین یا کمترین یا خوارترین یا بیشترین یا
 یا مقاصد یا مصلای یا کرات ولی یا قاضی یا مستند یا قصوی یا مقاصد قاضی و علی تأسیس دلی یا وسیله بزرگ
 یا مقاصد یا مصلی یا وسیله بزرگ دلی و جان یا وسیله جیبیه و ذریعیه رفیعیه و موجب جلیلیه یا عیش یا عیش
 ولی است یا بی نیاز از برتر است یا از دستگاه لب و زبان و حوصایه تمامه منقطع اللسان یا از طاعت است
 یا از تاب توان انسانی یا باین پذیرش و گنجایش گیر تقدیر یا پیم پذیر یا پان نمی توان شد یا بسیر یا بسیر
 معروض می دارد یا کشف و خمیر سیر و پذیر عطف و پذیر اشفاق و تخمیر غنا بیت تصویر نو از شش نو پذیر
 نظیر هر نو بر کسیه یا شیشه شیشه تغییر ابرو فتح رای اشفاق آرائی عطف و پیروی کرم تقضای الطاف
 انجاسی نو از شش آتاسی الطف فرای کرم یا چنانچه انجاسیا مهر غنا مرآت اشجلا یا نجل جلاله اقامت فدایا خوشید غنا
 مشهور یا مبروز یا مبرین یا مسکشف خاطر خطی نو عطف و تاشی یا غنا هر با خضای الطاف مناز شرفت
 ناظر و یا نقاط با مضمون خمیر آئینه آئین اشفاق گرین عطف و ت قرین الطاف تکبیر یا کشف رای زرین بگرد
 پیمای پیمای و میدارد یا گردانیده نموده کرده ساخته و شسته می آید یا مظهر یا کشف یا مبین حال یا عارض احوال نیاز
 استمال فدویت مال است یا بشو و یا میگردد و یا خمیر نو یا صافی یا صفا گرین صفا صفات یا صفتی از تمیز
 یا صفا تر از مرآت یا رای والا یا علی یا خاطر خاطر ظاهر و با هر یا دفع و لایح یا روشن یا مبرین میگردد و اند یا
 و در و طالب قاضی و مقاصد یا فی انجیر یا طالع یا حسب التحری ضروری العوض لازم الاتماس سزاوار گزایش
 یا صفا الا و اقبال یا تقدیم تقصیر الترقیم لائق الاتماس یا بدل عطف و منزل یا کامل کرم شامل دریا مائل صفا
 مرآت شش شرفت حاصل غایت المثل الطاف و سائل عطف و منزل سپید و سپید یا میگردد و اند یا مبرین سزاوار گزایش

